

دگردیسی تروما به نوستالژی سیاسی واکاوی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بازسازی گذشته در ایران معاصر

سجاد قیطاسی

استادیار، دانشگاه پیام نور

در سپهر گفت‌مانی و اجتماعی امروز ایران، پدیده‌ای قابل تأمل و پیچیده در حال ظهور است که می‌توان آن را چرخشی پارادایمی در حافظه‌ی جمعی تعبیر کرد. چرخشی که در آن، گذشته‌های که پیش‌تر در کلان‌روایت‌های رسمی و انقلابی به‌عنوان ایزه تروماتیک و منبع سرکوب و استبداد مفسل‌پندی شده بود، اکنون در لایه‌هایی از اجتماع در حال دگردیسی به یک ایزه نوستالژیک (به‌عنوان نمادی از نظم، توسعه و اقتدار) است. نتیجه‌ی فرایند بازتعریف دوران پهلوی از یک ایزه آسیب‌زا به یک ایزه حسرت‌برانگیز/نوستالژیک تأییدی پوزیتیویستی خواهد بود بر فقدان کاستی‌های ساختاری آن دوره. آنچه در حال رخ دادن است تجلی دقیقی از آن چیزی است که سوتلانا بویست نوستالژی ترمیم‌گر (یعنی باور به اینکه گذشته‌ای واقعی و شکوهمند وجود داشته که می‌توان و باید آن را دوباره زنده کرد) مینامد. آنچه امروز در بخشی از جامعه مشاهده می‌شود، نوعی از دل‌نگی است که خود را نوستالژی نمی‌داند، بلکه خود را حقیقت‌وسنت‌می‌پندارد، بر نوستوس (Nostos) یا بازگشت به خانه تمرکز دارد و می‌کوشد تا با بازسازی اتوبیایی گذشته، نمادهای ملی و میهنی را احیا کند. در نتیجه، گذشته دیگر یک خاطره‌ی دور‌دست و پر از حسرت نیست، بلکه به طرحی سیاسی برای آینده و بدیلی برای وضعیت نامطلوب حال حاضر بدل می‌شود. ریشه این واکنش جمعی و تمایل به ترمیم گذشته را می‌توان در مفهوم محرومیت نسبی (Relative Deprivation) جست‌وجو کرد که تندرارتگر در اثر کلاسیک خود «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» به آن می‌پردازد. به زعم رابرت گر، نارضایتی سیاسی و اجتماعی نه لزوماً از فقر مطلق، بلکه از شکاف میان انتظارات ارزشی (آنچه مردم تصور می‌کنند شایسته آن هستند) و توانایی‌های ارزشی (آنچه عملاً دریافت می‌کنند) نشأت می‌گیرد. در وضعیت کنونی، شهروندان وضعیت معیشتی، آزادی‌های اجتماعی، ارزش پول ملی و جایگاه بین‌المللی خود را نه‌تنها با استانداردهای جهانی و کشورهای همسایه، بلکه با روایت‌های موجود از گذشته خودمقایسه می‌کنند. زمانی که نتیجه‌ی این مقایسه احساس غبن و محرومیت شدید باشد، پتانسیل بازخوانی اسطوره‌ای تاریخ‌فعال می‌گردد. به بیان دیگر، رافاکنی نارضایتی‌ها تصویبری ایده‌آل‌سازی‌دهنده را از گذشته بر می‌سازد که بیش از آنکه بازتابی دقیق از واقعیت‌های تاریخی آن دوران باشد، بازتابی معکوس از رنج‌های امروز است. به این ترتیب، هر آنچه در زمان حال غایب است، در گذشته به صورت اغراق آمیزی حاضر و برجسته‌تصور می‌شود. بعلاوه، تحت فشار تنش‌های شناختی حال حاضر و بحران‌های تودرتوی اقتصادی، حافظه جمعی دچار نوعی سوگیری پسنگر (Hindsight Bias) و فراموشی گزینشی (Selective Amnesia) می‌شود. موریس هالیواکس به درستی استدلال می‌کند که حافظه هرگز یک بایگانی ثابت و دست‌نخورده نیست، بلکه همواره بر اساس چارچوب‌های اجتماعی زمان حال (Social Frameworks) بازسازی و بازتفسیر می‌شود. در این فرآیند، ذهن جمعی به صورت ناخودآگاه رخ داده‌های دردناک، زندان‌ها، سواوک و نابرابری‌های دوران گذشته را فیلتر و به حاشیه می‌راند (Suppression) و در مقابل، مؤلفه‌های مرتبط با توسعه‌گرایی، آفرانه، رفاه ظاهری و مدرنیزاسیون را برجسته می‌سازد. این برجسته‌سازی گزینشی (Salience)، با هدف خلق یک عصر طلایی (Golden Age) خیالی صورت می‌پذیرد. از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی، این تغییر نگرش پارادایمی را می‌توان یک مکانیسم دفاعی جمعی در برابر وضعیت انومی دانست. در شرایطی که جامعه با تورم افسارگسیخته و افق مبهم آینده دست‌وپنجه نرم می‌کند، رجوع به گذشته‌ای که نماد «نظم، آهنگن» و «ساختار» بود، کارکردی تسکین‌دهنده می‌یابد. در اینجا، نوستالژی سیاسی به‌عنوان یک مکانیسم جبرانی (Compensatory Mechanism) عمل می‌کند تا خلأ موجود در زمان حال را پر کند. بنابراین، شعارهای نوستالژیک که در خیابان‌ها یا فضای مجازی شنیده می‌شود، لزوماً به معنای یک تحلیل دقیق تاریخی-سیاسی و تأیید تمام‌عیار استبداد پیشین نیست؛ بلکه فریادی برای طلب نظم، کرامت‌د و کرامت در زمان حال است که زبان و بیان خود را از واژگان گذشته وام گرفته است.

در غیاب یک روایت صادقانه و انتقادی از تاریخ که هم دستوردها و هم شکست‌ها را پوشش دهد، ذهنیت عمومی به سمت قطبی‌سازی حرکت می‌کند: سیاه دیدن مطلق حال و سفید دیدن مطلق گذشته. این فرآیند خطرناک است زیرا امکان نقد عقلانی گذشته و درس‌گیری از اشتباهات تاریخی را مسدود می‌کند و جامعه را در چرخه‌ای از واکنش‌های احساسی گرفتار می‌سازد. در نهایت، باید پذیرفت که دگردیسی تروما به نوستالژی، یک نشانه‌ی بالینی از بیماری ساختار حکمرانی در زمان حال است. تا زمانی که شکاف میان واقعیت و انتظار پر نشود و جامعه چشم‌اندازی روشن از بهبود وضعیت در آینده نداشته باشد، نوستالژی ترمیم‌گر به عنوان تنها ابزار در دسترس برای نقد رادیکال و وضعیت موجود و حفظ انسجام روانی جمعی باقی خواهدماند.

References

Boym, S. (2001). The Future of Nostalgia. New York: Basic Books. /Gurr, T.R. (1970). Why Men Rebel. Princeton: Princeton University Press. /Halbwachs, M. (1992). On Collective Memory. (L.A. Coser, Trans.). Chicago: University of Chicago Press.

تحلیل هشدارآمیز علی‌لاریجانی از پیامدهای ادامه ناآرامی‌ها

خطر جنگ داخلی

گروه خبر: علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی (شعام) روز گذشته به تحلیل اعتراضات اخیر پرداخته و اعتراضات کسبه و بازاریان به مشکلات اقتصادی را درست دانست. او در پاسخ به این پرسش که این اتفاقات را تا چه میزان در امتداد جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ارزیابی می‌کنید؟ تاکید کرد: «با نگاهی به جنگ ۱۲ روزه، همچنین مشاهده شرایط فعلی می‌توان پاسخ این پرسش را یافت: باید توجه داشته باشیم که ما هم اکنون نیز در میانه جنگ هستیم، پس از جنگ ۱۲ روزه نه صلح کردیم و نه آتش‌بسی رخ داد. آتش‌بس به این معناست که قوانینی نگاشته و طرفین آن را تأیید کنند، نظامات نظارتی بر آن در نظر گرفته شود که در مورد جنگ ۱۲ روزه این اتفاق رخ نداد، بلکه تنها قطع آتشی از سوی طرفین اتفاق افتاد.» لاریجانی با تاکید بر اینکه باید الزامات «درون جنگ بودن» را مورد توجه قرار دهیم، افزود: «کشوری که درون جنگ است نباید به دست خود بحران جدیدی ایجاد کند؛ این امر نه عقلانی است و نه ملت‌پذیری آن است، لذا روشن است که توسط عاملی بیرونی در حال سازماندهی است. رژیم صهیونیستی هیچگاه یک روش را در جنگ دنبال نمی‌کند بلکه به دنبال ایجاد شگفتانه و تغییر تاکتیک است. رژیم اسرائیل جنگ ۱۲ روزه را با یک عملیات نظامی وسیع آغاز کرد. از روز دوم یا سوم جنگ نیز اعلام کردند که ما کار خود را انجام داده‌ایم و حالا مردم باید به خیابان بیایند؛ تئوری آنها عملیات نظامی و به دنبال آن بحران اجتماعی بود. در مقطع کنونی رژیم اسرائیل تاکتیک خود را عوض کرده است. امروز جنگ همان جنگ است، آنها به دنبال بحران اجتماعی و تنش تروریستی و سپس ضمیمه کردن عملیات نظامی هستند.» دبیرکل شعام با اشاره به صحبت‌های دونالد ترامپ که اعلام کرده بود «اگر حادثه‌ای در اعتراضات رخ دهد، اقدام به عملیات نظامی می‌کنیم»، گفت: «این جنگ ادامه همان جنگ است و فقط تاکتیک دشمن تغییر کرده است؛ دشمن در جنگ ۱۲ روزه به دلیل حضور مردم در صحنه به اهداف خود دست نیافت و لذا آنها به دنبال هدف گرفتن نقطه قوت ما یعنی «همبستگی ملت ایران» هستند. آنها به دنبال شکستن همبستگی ملی و به دنبال آن عملیات نظامی هستند. البته نیروهای مسلح ما آماده و مراقب‌اند. در حوادث این روزها نیز نیروهای مسلح ما که وظیفه دفاع از وطن را بر عهده دارند، کار خود را انجام می‌دهند. هرگونه تجاوز دشمن با پاسخ قاطع نیروهای مسلح کشور مان مواجه خواهد شد. تردیدی وجود ندارد که مردم ما با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه هستند و این بستر بیش از این وجود داشت. هرگز به دنبال متهم کردن نیستیم و نمی‌گوییم کسانی که در ابتدای کار به صحنه آمدند عامل دشمن بودند؛ طبیعتاً فشارهای اقتصادی گروهی را به اعتراض واداشت و همانگونه که رهبر انقلاب نیز تصریح کردند اعتراضات از این دست باید شنیده شود. دولت و وزارتخانه‌ها باید به اشکالات اقتصادی کشور توجه و درصدد رفع آن بربایند.»

او با اشاره به اینکه صحنه اعتراضات بازار و کسبه درست بود، آنها به نوسانات نرخ ارز و عدم امکان برنامه‌ریزی برای مشاغل خود معترض بودند، افزود: «اما اینکه عده‌ای با انواع سلاح‌های گرم عملیات انجام دهند موضوع دیگری است و باید اعتراضات مردمی را از این گروه کاملاً جدا کرد.» اینها شبیه گروه‌های تروریستی شهری هستند، اخیراً مسئولان رژیم اسرائیل نیز اعلام کرده بودند که این بار نیازی به عملیات نظامی از طریق هوایما و موشک نداریم بلکه از ساختارهایی که در ایران ایجاد کرده‌ایم، برای ایجاد ماجرای جدید استفاده خواهیم کرد. این موضوع باید توسط گروه‌های اطلاعاتی کشور شناسایی شود. دشمن هویت ملی و دینی ما را هدف قرار داده است؛ نماد هویت ملی پرچم ایران است که آن را آتش زدند، دیگر نماد این هویت، شخصیت حاج قاسم سلیمانی است که سر باز ملی کشور مان است اما آنها مجسمه سردار ل‌ها را بر زمین زدند. دشمن همچنین به دنبال شکستن هویت دینی کشور است، از همین روست که مساجد را به آتش می‌کشند.»

لاریجانی به غارت فروشگاه‌ها در حوادث روزهای گذشته اشاره کرده و تاکید کرد: «مشکلات اقتصادی را باید حل کنیم اما آیا بحران امنیتی مشکلات اقتصادی را عمیق‌تر نخواهد کرد؟ حوادث اخیر، اقدامی از روی خیرخواهی و مهر برای ملت ایران نیست بلکه رفتارهایی ستمکارانه است؛ این اقدامات تلاشی برای هدف گرفتن همبستگی ملی، هویت ملی و مذهبی و آشوب‌زده کردن وضعیت اقتصادی است. کدهای اطلاعاتی در دست داریم که ریشه‌های ابت اغشاشات در دست رژیم صهیونیستی و پدرخوانده آنها آمریکا است. ما به ضعف‌ها و مشکلات داخلی واقف هستیم و نارسایی‌های داخلی را می‌بینیم اما مسئله اینجاست که این حوادث نه‌تنها به حل نارسایی‌ها کمک نمی‌کند بلکه آنها را به جایی خواهد رساند که دود آن به چشم ملت ایران می‌رود.»

او از خانواده‌ها خواست که نسبت به حرکات فرزندان خود هوشیار باشند و گفت: «کشته شدن هر ایرانی چه از نیروهای مسلح و چه معترضان برای ما ناراحت‌کننده است. همه آنها فرزندان ایران هستند و باید برای از دست دادن آنها گریست. نباید اجازه دهیم که این صحنه‌ها به وجود آید اما هنگامی که وضعیت کشور را بر هم می‌زنند و اجازه زندگی عادی را از مردم می‌گیرند، نیروهای امنیتی ناچار هستند که امنیت را به کشور باز گردانند. دشمن در هیچ‌یک از روش‌های خود به هدف نخواهد رسید. ملت ایران هوشیار است و اجازه دخالت به دشمن بیگانه را نخواهد داد اما هدف آنها از بین مردم، انسجام داخلی است؛ دشمن قصد دارد دو گروه جامعه را به جان هم بیندازد اما آنها ملت ایران را نمی‌شناسند. آنها با دو مشکل مواجه هستند: نخست اینکه ملت ایران هنگامی که کبان کشور و هویت ملی به خطر می‌افتد، همبستگی پیدای می‌کند، لذا نمی‌توانند به سادگی در

یکشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۹۷۹
www.hammihanonline.ir

ملت ایران انشقاق ایجاد کنند، دوم اینکه نیروهای مسلح ما به شدت آماده هستند حتی آماده‌تر از جنگ گذشته و دشمن باید بداند که با شرایط به مراتب سخت‌تر مواجه است.»

دبیر شورای عالی امنیت ملی همبستگی و انسجام ملی را کلید گشایش این مشکل دانسته و گفت: «باید با مردم صحبت کنیم، روشنگری و تلاش کنیم که این وضعیت در خیابان رخ ندهد چرا که طرفین فرزندان ایران هستند. سرخط‌های اغتشاش‌گران شناسایی شده‌اند، برخی از آنها دستگیر شده‌اند و مابقی نیز دستگیر خواهند شد. عده‌ای فریب خورده‌اند اما عده‌ای نیز با آمادگی قبلی ورود کرده‌اند، آنها سلاح‌های گرم وارد کرده‌اند و لذا کسانی نیستند که از خانه خود برای شعار دادن آمده‌اند، آنها با تمهیدات و سازماندهی آمده‌اند، می‌دانستند از کجا سلاح بگیرند، به کجا بریند و چگونه توزیع کنند.»

او با تاکید بر اینکه دشمن به دنبال ایجاد جنگ داخلی است تا زمینه دخالت خارجی را فراهم کند، تصریح کرد: «آنها سلاح ساچمه‌ای و جنگی داشتند اما نتوانستند مراکز امنیتی ما را اشغال و خلع سلاح کنند چرا که نظامیان ما نیز آماده بودند. دشمن با ایجاد بحران اجتماعی به دنبال بستن مسیرهای حل مشکلات اقتصادی است و این امری داخلی نیست؛ ممکن است در داخل با اعتراضاتی مواجه باشیم اما ایجاد ناامنی امری دیگر است و باید لذا با هوشیاری این مسئله را پشت سر بگذاریم. اگر همبستگی ملی داشته باشیم و آگاه باشیم این بحران را نیز پشت سر خواهیم گذاشت. باید زمینه را برای حضور مردم فراهم کنیم. همانقدر که حضور مردم در عرصه سیاست کلید حل مشکلات سیاسی است، در عرصه اقتصاد نیز هماهنگونه است؛ باید زمینه حضور مردم در عرصه اقتصاد را فراهم کنیم و تا زمانی که مردم اقتصاد را در دست بگیرند، اقتصاد کشور تکان قوی نخواهد خورد. دولت و شرکت‌های دولتی نمی‌توانند جایگزین مردم باشند و ما در این زمینه ضعف داریم. سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به درستی اجرا نشد و اعتراض مردم به این رفتارهای اقتصادی درست است. بخش‌های دولتی خود را عریض کرده‌اند و مجال حضور به مردم نمی‌دهند و نتیجه این امر نیز فساد دولتی است.»

لاریجانی رشوه و فساد در ساختار دولتی را یکی از عوامل ایجاد سرخوردگی جوانان دانست و تاکید کرد: «باید بپذیریم که نیاز به اصلاحات اساسی داریم. پس از حل شدن این مسائل امنیتی نباید به خانه اول بازگریم. مردم امیدی ندارند که اگر این مسائل امنیتی حل شود، همه مشکلات حل می‌شود بلکه تصور می‌کنند مشکلات همچنان پابرجا خواهد ماند. امروز تحریم‌های داخلی مهم‌تر از تحریم خارجی است، باید این بندها را از دست و پای مردم باز کنیم و به آنها اجازه دهیم در اقتصاد مشارکت داشته باشند.»

دبیر شعام اقدامات دولت برای حل مشکلات دیوان سالارانه را مهم ارزیابی کرده و خطاب به دشمنان گفت: «متن مردم باید در این ماجرا روشن شوند، مردم ولی نعمت ما هستند. نیروهای امنیتی نیز هوشیارند که مردم آسیبی نبینند اما افرادی که از طریق گروهک‌ها ورود کرده‌اند، بخش‌های امنیتی و قوه قضائیه به شدت مقابله خواهند کرد و اگر ورود کنند و بخواهند زندگی مردم را مختل کنند و با آسیبی وارد کنند، برخورد جدی صورت خواهد گرفت.» لاریجانی خطاب به ملت ایران تاکید کرد: «مردم باید با همان مسئولیت‌پذیری و هوشیاری دوران جنگ وارد صحنه شوند و اجازه ندهند عده‌ای دستوردهای ملی را زیر سوال ببرند، حکومت باید اصلاحاتی در کشور ایجاد کند که مردم شکوفا شوند و مردم مانیز با هوشیاری خود نباید به جریانات شبه‌تروریست‌های شهری اجازه عمل دهند.»



دیگر ماشاتی نخواهد شد هم از این بلندگوها به گوش می‌رسید. **مرکز شهر تهران (میدان انقلاب و ولیعصر، خیابان انقلاب، میدان فردوسی، خیابان کارگر، خیابان یوسف‌آباد، فاطمی و...)** تقریباً اجازه هیچ تجمعی داده نشد و هر تجمعی در ابتدا پراکنده می‌شد. این استراتژی جدید باعث شد که جمعیت به دیگر نقاط شهر تهران بروند. خیابان پیروزی یکی از شلوغ‌ترین خیابان‌ها بود و پر بیراه نیست اگر بگوییم سبیل جمعیت با شعارهای مختلف به سمت میدان شهدا روان بود. چند گاز اشک‌آوری که به سمت معترضان شلیک شد هم نتوانست آنها را متفرق کند و جمعیت بدون توجه به این موضوع به راه خود ادامه می‌داد. درگیری‌های بسیاری در این میان اتفاق افتاد. شاهدان عینی در تهرانپارس هم از جمعیت بالای تجمع‌کنندگان می‌گویند که گفته می‌شود برخی از آنها مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند، اما خود را از مهلکه نجات دادند و حتی به بیمارستان هم مراجعه نکردند تا از بازداشت هم جان سالم به در برند.

تجمعات در شهری

شهری هم از آن مناطق تهران بود که بی توجه به هشدارهای جمعیت حضور داشتند. اما تفاوت جمعیت معترض در شهری این بود که بسیاری از آنها قشر مذهبی هستند. گاز اشک‌آور در این منطقه هم نتوانست جمعیت را متفرق کند و در نهایت آخر شب با شلیک گلوله و ساچمه بالاخره این جمعیت متفرق شدند.

تجمعات در غرب تهران

شاید بتوان گفت که **پونک** و **سعادت‌آباد** جمعه‌شب درگیر جنگ خیابانی بود. از یک طرف نیروهای ضدشورش از سوی دیگر معترضان خشمگین از شرایط کنونی، آشوب در این منطقه را افزایش داده بود. علاوه بر آن **میدان صادقیه** نیز پر بود از نیروهای ضدشورش. دور میدان صادقیه و خیابان‌های اطراف تحت سیطره آنها بود. یکی از استراتژی‌های نادرست در این منطقه، بستن بزرگراه اشرفی اصفهانی است که باعث شد ورودی جلال آل احمد هم بسته شود و خودروها به سمت **آیت‌الله کاشانی** هدایت می‌شد. در خیابان آیت‌الله کاشانی مخازن زباله در خیابان افتاده بود و سنگ‌های کف خیابان از اتمام یک جنگ خیابانی حکایت داشت. بلوار ابانر تنها راه رسیدن به اتوبان حکیم بود که توسط معترضان بسته شده بود تا نیروهای ضدشورش نتوانند به آنها حمله کنند و ترافیک بسیار سنگینی را در این بلوار و آیت‌الله کاشانی ایجاد کرده بود. در **بلوار ابادر** معترضان با کوبیدن روی میله‌های کنار خیابان و مخازن زباله ریتمی برای شعارهای خود ساخته بودند. شلیک گاز اشک‌آور نیز در این منطقه معترضان را متفرق نکرد. ورودی بلوار ابادر به حکیم نیز با ترافیک بسیاری روبرو بود. از بالای پل مشخص بود که یک ساختمان آتش گرفته است. اما تمام تلفن‌ها قطع بود و امکان تماس با ۱۲۵ وجود نداشت. افرادی که از تلفن‌های ثابت با ۱۲۵ تماس گرفتند هم از عدم پاسخگویی می‌گفتند، دو خودرو نیز در این منطقه در آتش می‌سوخت.



عکس: ایرنا

تیراندازی در خیابان‌ها

گزارش میدانی خبرنگار هم‌میهن از روز سیزدهم اعتراضات

پلیس و دیگر نهاده‌ها هشدارهای لازم را داده بودند و به قول غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه اتمام حجت کردند که هیچ ماشاتی در کار نیست. شامگاه جمعه نیز مانند روز قبل، حوالی ساعت ۱۹ تلفن‌های همراه در بسیاری از نقاط تهران و دیگر شهرهای کشور قطع شدند.

آماری که منتشر شد و نشد

هیچ آمار دقیق و رسمی از بازداشت‌شدگان، جانباختگان و حتی آمار تقریبی از میزان تجمع‌کنندگان منتشر نشده و به نوعی می‌توان گفت که آمارها جسته و گریخته و غیرقابل استناد است. در این میان که کمتر آماری از جانباختگان معترض منتشر می‌شود، خبرگزاری تسنیم آمارهایی از نیروهای نظامی کشته شده در شهرهای مختلف را منتشر کرده است: «سیدکاظم موسوی، رئیس کل دادگستری استان قم از جانباختن ۲ پلیس با ۴۰ ضربه چاقو خبر داده است. عباس نجفی، دادستان مرکز استان همدان از جانباختن یکی از شهروندان مهدی‌الخر خبر داده است. ۶ نیرو در کرمانشاه جانباخته‌اند. پلیس لرستان از دستگیری ۱۰۰ نفر خبر داد.»

مرکز شهر تهران سوت و کور بود

«ای لشکر صاحب زمان آماده باش، آماده باش» این آهنگی است که از بلندگوهای دو متری برای مانور نظامی در خیابان‌های انقلاب و آزادی پخش می‌شد. واتنی با بلندگوهای دومتری جلو و چند ده موتور پشت آن با شعار دادن پشت آن حرکت می‌کردند و هزار چندگاه هشدارهایی مبنی بر اینکه



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

جمعه‌شب نیز شهرهای مختلف باز هم شاهد اعتراضات گسترده بود. **مشهد** مانند دیگر شهرها در این شب در محله‌های مختلف شاهد اعتراضات بود. **رشت** هم یکی از شهرهایی بود که تنش در آن بسیار بالا بوده و حتی شانه‌ب کشته شدن چند ده شهروند هم مطرح شده بود. **کرمانشاه** و **بروجرد** هم جزو شهرهایی بودند که خبرها حاکی از کشته‌شدن برخی شهروندان است. در **اصفهان** و شهرهای اطراف آن نیز شرایط جنگی در خیابان‌ها حاکم بوده و معترضان لحظات تلخی را تجربه کرده و از کشته شدن برخی از آنها خبر رسیده است. این شانه‌ب زمانی قوت گرفت که اتمام حجت‌ها شده و تهدید معترضان توسط رسانه ملی، اینطور برداشت شده که «صداسیما با زبان بی‌زبانی اعلام کرده اگر امشب بیرون بیایید، خون‌تان پای خودتان است.» قطع اینترنت، قطع موبایل‌ها در ساعاتی و قطع کامل ارسال پیامک چند شبانه‌روز گذشته اتفاق افتاد. اخباری هم مبنی بر انفجار بمب‌های صوتی در برخی از نقاط پایتخت منتشر شده است.

التهاب اعتراضات که از بازار تهران شد حالا به روز سیزدهم رسیده و نه‌تنها هنوز فروکش نکرده، بلکه در برخی مناطق بر جمعیت تجمع‌کنندگان افزوده شده است. این در حالی است که عصر روز جمعه اطلاعات سپاه،